

## زیایایی ساختواژی و مدخل‌گزینی فرهنگ‌های عمومی یک‌زبانه

آزیتا عباسی

فرهنگ‌نویسی یکی از حوزه‌های مهم کاربرد اصول زبان‌شناسی است. این حوزه رابطه مستقیمی با ساختواژه و اصول و محدودیت‌های حاکم بر صرف هر زبان دارد و، در نتیجه، بی‌توجهی به این اصول و محدودیت‌ها، فرهنگ‌نگاری را با مشکلات گوناگون مواجه خواهد کرد. از جمله عوامل مهمی که در فرهنگ‌نگاری باید به آن توجه داشت، مشخصه زیایایی در فرایندهای ساختواژی است. این مقاله به بررسی تأثیر زیایایی ساختواژی در مدخل‌گزینی فرهنگ‌های عمومی یک‌زبانه در ۵ بخش اختصاص دارد. قبل از پرداختن به موضوع اصلی در بخش ۴، در بخش‌های ۱ و ۲ و ۳ درباره زیایایی ساختواژی، رابطه بسامد و زیایایی ساختواژی، رابطه زیایایی و شفافیت معنایی و انواع زیایایی به‌اختصار توضیحاتی داده شده است و، در آخر، بخش ۵ به نتیجه‌گیری اختصاص خواهد داشت.

### ۱ زیایایی ساختواژی

از دیدگاه هم‌زمانی، فرایند ساختواژی‌ای (به لحاظ ساختی) زیاست که اهل زبان بدون تلاش آگاهانه بتواند از آن برای ساختن کلمات پیچیده<sup>۱</sup> استفاده نماید. هرچه محدودیت عملکرد یک فرایند ساختواژی کمتر باشد و، در نتیجه، آن فرایند قادر به ساختن

---

۱) کلمه پیچیده کلمه‌ای است که طی فرایند اشتقاق یا ترکیب ساخته شده باشد (BAUER 1983, p. 29-30)، مانند «زهرآگین».

نوواژه‌های<sup>۲</sup> بیشتری باشد، آن فرایند زیایتر است. فرایند ساختن اسم حاصل مصدر با پسوند «-گان» (خدایگان) امروزه فرایندی نازاست، چرا که از آن برای ساختن کلمات مشتق جدید استفاده نمی‌شود. -گان با مفهومی دیگر فعال شده است: شمارگان، واژگان، پرسشگان، ناوگان....

## ۲ نقش بسامد در تعیین زیایی ساختواژی

میان بسامد و زیایی رابطه معکوس وجود دارد. در فرایندهای ساختواژی زیایا (در زمان حال)، تعداد برون‌دادهای با بسامد پایین بسیار زیاد و تعداد برون‌دادهای با بسامد بالا کم است. در فرایندهای ساختواژی نازا (در زمان حال)، معمولاً تعداد برون‌دادهای با بسامد نسبتاً بالا زیاد، تعداد برون‌دادهای با بسامد پایین کم و تعداد کلمات تک‌بسامدی<sup>۳</sup> (خصوصاً با افزایش بزرگی پیکره) بسیار کم است. (کلمات تک‌بسامدی کلماتی هستند که یک‌بار در پیکره به کار رفته‌اند.) برای نمونه، در پیکره مورد مطالعه این مقاله<sup>۴</sup>، در میان ۱۹۴ نوع کلمه ساخته شده با پسوند «-نده» (یکی از زیایترین وندهای

2) neologism

3) hapax legomena

۴) پیکره مورد مطالعه در این بررسی حاوی متون ادبیات معاصر زبان فارسی است و از پیکره زبانی جمع‌آوری شده در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی توسط دکتر مصطفی عاصی استخراج گردیده است. متون موجود در این پیکره عبارت‌اند از: سخن‌ها را بشنوم (محمدعلی اسلامی ندوشن ۱۳۷۰)؛ خسی در میقات (جلال آل‌احمد ۱۳۵۶)؛ مدیر مدرسه (جلال آل‌احمد ۱۳۵۰)؛ غرب‌زدگی (جلال آل‌احمد ۱۳۴۸)؛ تات‌نشین‌های بلوک زهرا (جلال آل‌احمد ۱۳۳۷)؛ اورازان (جلال آل‌احمد ۱۳۵۶)؛ شهری که دوست‌می‌داشتم (نادر ابراهیمی ۱۳۴۵)؛ مصابا و رؤیای گجرات (نادر ابراهیمی ۱۳۴۳)؛ سووشون (سیمین دانشور ۱۳۵۳)؛ دیدار در هند (اسماعیل فصیح ۱۳۵۳)؛ بوف کور (صادق هدایت ۱۳۵۱)؛ اثری که لوطی‌اش مرده بود (صادق چوبک ۱۳۵۵)؛ چرند و پرند (علی‌اکبر دهخدا ۱۳۴۳)؛ ستارگان سیاه (سعید نفیسی ۱۳۴۹)؛ حاجی بابای اصفهانی (جیمز ژوستین موریه، ترجمه میرزا حبیب اصفهانی ۱۳۵۱)؛ ملکوت (بهرام صادقی ۱۳۴۰)؛ اسرار گنج دره جنتی (ابراهیم گلستان ۱۳۵۳)؛ راه‌رفتن روی ریل (فریدون تنکابنی ۱۳۵۶)؛ خاک و آدم (محمدعلی جمال‌زاده ۱۳۴۰)؛ اصفهان (محمدعلی جمال‌زاده ۱۳۴۰)؛ اندیشه (محمد حجازی ۱۳۴۸)؛ پرپنجر (محمد حجازی ۱۳۴۸)؛ آرزو (محمد حجازی ۱۳۴۴)؛ چمدان (بزرگ علوی ۱۳۵۷)؛ کاوه (به‌آذین ۱۳۵۵)؛ غریبه‌ها و پسرک بومی (احمد محمود ۱۳۵۶)؛ تیاله (مصطفی رحیمی ۱۳۵۳)؛ ماهی زنده در تابه (ناصر ایرانی ۱۳۵۱)؛ تلخون (صمد بهرنگی ۱۳۴۹)؛ توپ (غلامحسین ساعدی ۱۳۵۵)؛ بهترین بابای دنیا (غلامحسین ساعدی ۱۳۴۹)؛ گاو (غلامحسین ساعدی

زبان فارسی)، ۸۴ کلمه تک‌بسامدی وجود داشته است. از طرف دیگر، در میان ۱۱ نوع کلمه ساخته شده با پسوند «-ار» (یکی از وندهای نازا در زبان فارسی امروز)، تنها یک کلمه تک‌بسامدی وجود داشته است. به اعتقاد باین و پلاگ: از آنجا که قاعده ناظر بر ساخت کلمات تک‌بسامدی غالباً زیاست، تولید و درک آنها به کمک قواعد و غالباً بدون مشکل انجام می‌گیرد و به همین دلیل است که تعداد بالای کلمات تک‌بسامدی نشانه زیای بودن یک ونده است. هرچه پیکره زبانی مورد مطالعه کوچک‌تر باشد، اغلب کلمات تک‌بسامدی از میان کلمات آشنای زبان خواهند بود؛ اما هرچه پیکره بزرگ‌تر باشد، نسبت نوواژه‌ها در میان کلمات تک‌بسامدی افزایش می‌یابد. اگرچه همه کلمات تک‌بسامدی نوواژه نیستند. از آنجا که در میان کلمات تک‌بسامدی بیشترین تعداد نوواژه‌ها مشاهده می‌شود، بنابراین، با افزایش کلمات تک‌بسامدی، احتمال وجود نوواژه‌ها بیشتر می‌شود و، چون وجود نوواژه را می‌توان دال بر زیایی فرایند مربوطه دانست، تعداد کلمات تک‌بسامدی را نیز می‌توان نشانه زیایی در نظر گرفت.

(PLAQ & others 1999, p. 10-12; PLAQ 2000, p. 4; PLAQ 2002, p. 66-69; PLAQ 2003, p.10, 13, 21; BAAZEN & RENOUF 1996, p.13-14; ARONOFF & ANSHEN 1998, p.245; BAAZEN 1993, p.187-189; BAAZEN & NEIJT 1997, p.7; HAY 2001, p.1043)

### ۳ زیایی و شفافیت معنایی

میزان شفافیت معنایی یک صورت پیچیده همان شباهت معنایی‌ای است که بین آن صورت و پایه کلمه مزبور است. در صورتی که نتوان از طریق معنای تکواژهای سازنده یک کلمه به معنای آن کلمه رسید، آن کلمه تیره است. «پارچه‌فروش» کلمه‌ای شفاف و «آب‌نبات» تیره است. هرچه طول عمر کلمه پیچیده بیشتر شود، ساخت آن به جهت هم‌زمانی تیره‌تر می‌شود

→

(۱۳۵۶)؛ تماشاگه راز (مرتضی مطهری ۱۳۵۹)؛ آهوی بخت من گزل (محمود دولت‌آبادی ۱۳۶۷)؛ شازده احتجاب (هوشنگ گلشیری ۱۳۴۷). پیکره مورد مطالعه دارای ۱۱۲۶۴۲۶ کلمه بوده است.

(ANDERSON 1992, p. 194; BARONI & VEQNADUZZO 2003, p.1-4; PLAG 2003, p. 20).

از شفافیت معنایی با عنوان زیایی معنایی نیز یاد شده است. به گفته دی شولو<sup>۵</sup> و ویلیامز<sup>۶</sup> (1987, p.9)، در صورتی که معنای یک کلمه پیچیده قابل پیش‌بینی و شفاف باشد، فرایند ناظر بر ساخت آن کلمه به لحاظ معنایی زیاست.

بررسی کلمات مشتق زبان فارسی مشخص می‌کند که صورت‌هایی که الگوی ساخت آنها در زمان حال نازاست صورت‌هایی هستند که عموماً دارای درجه‌ای از واژه‌گردانی<sup>۷</sup> و در نتیجه دارای درجه‌ای از تیرگی معنایی می‌باشند اما این بدان معنا نیست که نازبودن یک فرایند ساختواژی ضرورتاً تیرگی معنایی برون‌دادهای آن را به دنبال خواهد داشت. برای مثال، فرایند ساختن اسم با پیشوند «پاد-» از جمله فرایندهای نازا در متون ادبیات معاصر زبان فارسی است اما کلمه «پادزهر» به عنوان یکی از برون‌دادهای این قاعده به لحاظ معنایی شفاف است. از طرف دیگر، برون‌داد فرایندهای ساختواژی زیای عمدتاً به لحاظ معنایی شفاف‌اند؛ مثلاً، فرایند ساختن اسم حاصل مصدر با پسوند «-ی» زیاترین فرایند اشتقاقی زبان فارسی است و برون‌دادهای آن به لحاظ معنایی شفاف‌اند. به این ترتیب، مشخص می‌شود که رابطه میان شفافیت معنایی و زیایی ساختواژی رابطه‌ای دوطرفه نیست. برون‌دادهای فرایندهای زیای ساختواژی عموماً شفاف‌اند اما صورت‌های زبانی شفاف ضرورتاً برون‌داد فرایندهای زیای نیستند. شفافیت معنایی یک فرایند، بدون تردید، هم در عملکرد زیای آن فرایند در زمان حال هم در پذیرش کلمات ساخته شده توسط فرایندهای ساختواژی نقش بسیار مهمی دارد.

5) Di Sciullo

6) Williams

۷) واژه‌گردانی (lexicalization) مرحله‌ای است که، در آن، صورت یک کلمه مشتق به‌طور هم‌زمانی نتواند فرایندی را که توسط آن ساخته شده است نشان دهد. برای مثال، در کلمه length نشانی از long نیست (BAUER 2001, p.44). به عبارت دیگر، واژه‌گردانی هرگونه انحراف در ساخت و/یا معنای کلمه از قواعد زیایی هم‌زمانی است (BAUER 1992, p. 561-562).

#### ۴ زیایی ساختواژی و مدخل‌گزینی فرهنگ‌های عمومی یک‌زبانه

یکی از اولین گام‌های فرهنگ‌نویسی یک‌زبانه تعیین سرواژه‌ها یا سرمدخل‌های فرهنگ است. تاکنون معمول‌ترین روش مدخل‌گزینی فرهنگ‌های عمومی یک‌زبانه استفاده از متون مورد نظر فرهنگ‌نویس (برحسب نوع فرهنگ مورد نظر) و گزینش کلمات موجود در این متون با استفاده از شَمّ زبانی بوده است. اما، اگر از این روش برای مدخل‌گزینی فرهنگ استفاده شود، امکان دارد که صورت‌های زبانی بسیار معمول غیرشفاف با بسامد کاربرد بالا در فرهنگ ثبت نشوند ولی صورت‌های پیچیده بسیار شفاف ثبت شوند و، البته، در صورتی که میزان زیایی فرایند ناظر بر ساختن کلمات در مدنظر قرار نگیرد، این احتمال بیشتر خواهد شد. دو معیار مهم برای گزینش مدخل، از میان صورت‌های پیچیده، یکی وجود مشخصه‌های پیش‌بینی‌نشده در واحد زبانی (در هر سطح زبانی اعم از واجی، صرفی، نحوی، معنایی یا کاربردی) و دیگری میزان زیایی فرایند ناظر بر ساخت واحد زبانی است.

وجود یا نبود مشخصه‌های پیش‌بینی‌نشده براساس هنجارهای زبانی حاکم در هر زبان تعیین می‌شود؛ به این ترتیب که، در صورتی که ساخت واجی، صرفی، نحوی یا معنایی یک واحد زبانی با اصول حاکم در یک زبان همخوانی نداشته باشد یا در صورتی که یک واحد زبانی دارای کاربرد ویژه‌ای در زبان باشد، ثبت آن واحد در فرهنگ ضروری می‌گردد. بر این اساس، ثبت کلیه صورت‌های زبانی وام‌گرفته شده از زبان‌هایی غیر از زبان مورد استفاده در فرهنگ قطعی خواهد بود.

معیار دوم، همان‌گونه که گفته شد، میزان زیایی فرایند ناظر بر ساخته شدن کلمه پیچیده است. به اعتقاد باین و رینوف (1996, p. 3-4)، آرونوف (1976, p.36) و کاوی<sup>۸</sup> و دالتون-پافر<sup>۹</sup> (2002, p. 419)، برون‌داد فرایندهای بسیار زیای ساختواژی در فرهنگ ثبت نمی‌شوند. به اعتقاد آنان، پرکردن فرهنگ با کلمات شفافی که درک معنای آنها به آسانی و با کمک قواعد ساختواژی هر زبان ممکن است صحیح نیست. بنابراین ثبت

8) Cowie

9) Dalton - Puffer

کلمه «قرمزی» به معنای «قرمز بودن» در فرهنگ ضرورتی ندارد چرا که فرایند ناظر بر ساخته شدن این کلمه، هم به لحاظ صرفی هم به لحاظ معنایی، در زبان فارسی زیاست. گاه برون‌داد یک فرایند ساختواژی به لحاظ صرفی و معنایی زیاست اما آن واحد زبانی دال بر مصداق جدیدی در جهان خارج است. در این صورت نیز ثبت آن واحد ضروری خواهد بود. برای مثال، فرایند ناظر بر ساختن صورت «لحظه‌شماری» به لحاظ صرفی و معنایی زیاست اما این صورت برای اشاره به «مشتاقانه انتظار کشیدن» به کار می‌رود. در نتیجه این صورت در فرهنگ ثبت می‌گردد. به این ترتیب، باتوجه به آنچه گفته شد، ثبت برون‌داد آن دسته از فرایندهای ساختواژی که به لحاظ صرفی، معنایی و کاربردی زیاست ضرورت ندارد.

همان‌طور که در بخش ۲ گفته شد، هرچه زیایی یک فرایند ساختواژی بالاتر باشد، میزان نوآژه‌های ساخته شده توسط آن فرایند بیشتر خواهد بود و، مادام که آن نوآژه‌ها تبدیل به هنجار جامعه زبانی مذکور نشوند، در فهرست کلمات موجود در آن زبان قرار نخواهند گرفت. بر این اساس، با افزایش میزان زیایی ساختواژی، درصد نوآژه‌هایی که در فرهنگ ثبت نشده‌اند بالاتر خواهد رفت.<sup>۱۰</sup> از طرفی نیز، همان‌طور که در بخش ۲ گفته شد، بیشترین تعداد نوآژه‌ها در میان کلمات تک‌بسامدی مشاهده می‌شوند و به همین دلیل افزایش کلمات تک‌بسامدی و پیچیده را نشان زیایی یک فرایند ساختواژی می‌دانیم. به این ترتیب، با افزایش زیایی یک فرایند ساختواژی، باید درصد کلمات تک‌بسامدی ساخته شده توسط آن فرایند، که در فرهنگ ثبت نشده باشد، بالا رود و البته این اصل می‌تواند معیاری مناسب برای گزینش صحیح سروآژه‌های یک فرهنگ یک‌زبانه به حساب آید. طبق مقایسه انجام شده، بین پیکره زبانی مورد مطالعه این مقاله و فرهنگ‌های ۸ جلدی و ۲ جلدی سخن، مشخص گردید که گزینش مدخل‌های این فرهنگ‌ها براساس معیارهای دقیقی نبوده است و زیایی فرایندهای ساختواژی ناظر بر ساختن کلمات مدنظر مؤلفان این فرهنگ قرار نداشته

(۱۰) البته، در فرهنگ‌های تخصصی، از آنجا که ساختواژه عموماً مصنوعی و برای جان‌نشین کردن سریع صورت‌های زبانی غیرفارسی است، درصد نوآژه‌های ثبت شده، حتی برای فرایندهای زیاست، بالا خواهد بود.

است.<sup>۱۱</sup> برای انجام دادن این بررسی، انواع موجود در پیکره زبانی مورد مطالعه با سرواژه‌های این دو فرهنگ مقایسه شد و درصد کلماتی که در پیکره زبانی موجود بود اما در این دو فرهنگ ثبت نشده بود مشخص گردید. آنگاه، از میان کلماتی که در این دو فرهنگ موجود نبودند، درصد کلمات تک‌بسامدی مشخص گردید. رتبه زایایی هر یک از فرایندها نیز براساس شاخص  $PN,R$ <sup>۱۲</sup> تعیین شده است. نتیجه حاصل از این بررسی در جدول زیر آمده است:

(۱۱) این امر قطعاً ناشی از استفاده نکردن از پیکره زبانی کامپیوتری است. یکی از مهم‌ترین اطلاعاتی که پیکره کامپیوتری در اختیار ما می‌گذارد بسامد کلمات است و، همان‌طور که در بخش ۲ دیدیم، بسامد اطلاعات مهمی درباره زایایی یک فرایند در اختیار ما قرار می‌دهد.

(۱۲) با توجه به تأثیر تعداد کلمات تک‌بسامدی و با مقایسه کلمات تک‌بسامدی ساخته شده توسط یک فرایند با کل کلمات تک‌بسامدی موجود در پیکره زبانی می‌توان به تأثیر آن فرایند در رشد کلمات پیکره دست یافت. برای به دست آوردن میزان تأثیر یک فرایند اشتقاقی در رشد کل کلمات در مقایسه با سایر فرایندهای اشتقاقی موجود در پیکره از این فرمول  $PN,R = hR/hN$  استفاده می‌شود (BAUER 2001, p. 155; BAAZEN 1994, p.6). در این فرمول P شاخص زایایی، N تعداد نمونه‌ها، R دال بر قاعده اشتقاقی مورد نظر و h تعداد کلمات تک‌بسامدی است. به این ترتیب،  $hR$  تعداد کلمات تک‌بسامدی ساخته شده توسط یک قاعده اشتقاقی خاص و  $hN$  تعداد کل کلمات تک‌بسامدی ساخته شده با کل فرایندهای اشتقاقی مورد مطالعه در میان نمونه‌های مورد بررسی است.  $PN,R$  نیز مشخص می‌کند چه میزان از کل نواژه‌های پیکره را نواژه‌های ساخته شده توسط یک فرایند اشتقاقی خاص تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر، با توجه به رابطه کلمات تک‌بسامدی و نواژه‌ها، عدد به دست آمده مشخص می‌کند که نقش فرایند اشتقاقی مورد نظر در ساخت نواژه‌های موجود در پیکره و رشد کلمات پیکره به چه میزان است. به این ترتیب، فرمول بالا به صورت زیر خوانده می‌شود:

میزان نواژه‌های ساخته شده توسط = تعداد کلمات تک‌بسامدی / تعداد کل کلمات تک‌بسامدی  
یک فرایند اشتقاقی خاص در مقایسه ساخته شده توسط آن فرایند در پیکره مورد مطالعه  
با نواژه‌های کل پیکره

مقایسه درصد برون‌داد غیر موجود تعدادی از فرایندهای ساختواژی زبان فارسی

در فرهنگ سخن ۲ جلدی و ۸ جلدی و درصد کلمات تک‌بسامدی

ثبت نشده در این دو فرهنگ

رتبه زیایی	درصد کلماتی که در فرهنگ سخن ۸ جلدی موجود نبود	درصد تک‌بسامدی‌های ثبت نشده در فرهنگ سخن ۸ جلدی	درصد کلماتی که در فرهنگ سخن ۲ جلدی موجود نبود	درصد تک‌بسامدی‌های ثبت نشده در فرهنگ سخن ۲ جلدی	وند
۱	٪۱۲/۶۸	٪۸۹/۸۵	٪۳۶/۳۹	٪۷۸/۲۸	ی -
۲	٪۵۵/۶۷	٪۷۷/۷۷	٪۶۸/۰۴	٪۷۳/۴۸	-نده
۳	٪۲۲/۱۶	٪۷۸/۰۴	٪۷۷/۲۹	٪۶۰/۱۳	-انه
۴	٪۱۲/۵	٪۹۰	٪۳۱/۸۷	٪۶۲/۷۴	-نا
۵	٪۳/۴۰	٪۶۶/۶۶	٪۶/۸۱	٪۶۶/۶۶	-ک
۶	٪۶/۹۴	٪۸۰	٪۱۶/۶۶	٪۶۶/۶۶	-گاه
۷	٪۱۸/۷۵	٪۸۳/۳۳	٪۲۸/۱۲	٪۸۳/۳۳	-گر
۸	٪۳/۵۷	٪۱۰۰	٪۱۷/۸۵	٪۱۰۰	-دان/ -دانی
۹	٪۲۶/۶۶	٪۵۰	٪۳۰	٪۵۵/۵۵	فرو -
۱۰	٪۱۷/۱۴	٪۶۶/۶۶	٪۲۸/۵۷	٪۶۰	-چی
۱۱	٪۱۷/۳۹	٪۳۷/۵	٪۱۷/۳۹	٪۳۷/۵	-ستان
۱۲	همه موارد بود	—	٪۲۵	٪۶۶/۶۶	در -
۱۳	همه موارد بود	—	همه موارد بود	—	-ش
۱۴	٪۲۰	٪۱۰۰	٪۲۰	٪۱۰۰	-زار
۱۵	٪۱۴/۸۱	٪۷۵	٪۲۹/۶۲	٪۷۵	-ناک
۱۶	٪۸/۸۲	٪۱۰۰	٪۸/۸۲	٪۱۰۰	-مند
۱۷	٪۳۶/۳۶	٪۵۰	٪۳۶/۳۶	٪۵۰	بلا -



وند	رتبه زایایی	درصد کلماتی که در فرهنگ سخن ۸ جلدی موجود نبود	درصد تک‌بسامدی‌های ثبت‌نشده در فرهنگ سخن ۸ جلدی	درصد کلماتی که در فرهنگ سخن ۲ جلدی موجود نبود	درصد تک‌بسامدی‌های ثبت‌نشده در فرهنگ سخن ۲ جلدی
- کده	۱۸	همه موارد بود	—	همه موارد بود	—
- گین / - آگین	۱۹	همه موارد بود	—	همه موارد بود	—
- سار	۲۰	همه موارد بود	—	همه موارد بود	—
ابر -	۲۱	۵۰٪	۱۰۰٪	۵۰٪	۱۰۰٪
- پنه	۲۲	همه موارد بود	—	همه موارد بود	—
- مان	۲۳	همه موارد بود	—	همه موارد بود	—
- گان	۲۴	همه موارد بود	—	همه موارد بود	—
- ار	۲۵	همه موارد بود	—	همه موارد بود	—
پاد -	۲۶	همه موارد بود	—	همه موارد بود	—

طبق اطلاعات موجود در این جدول مشخص می‌گردد که:

۱. بر اساس آنچه گفته شد، پیش‌بینی می‌شود که با افزایش یک‌فرایند ساختواژی، درصد نوواژه‌های ثبت‌نشده در فرهنگ و در نتیجه درصد کلمات تک‌بسامدی ثبت‌نشده نیز بالا رود. اما، طبق اطلاعات موجود در این جدول، این اصل در مدخل‌گزینی فرهنگ‌های سخن رعایت نشده است. برای مثال، طبق اطلاعات موجود در جدول، درصد آن دسته از صورت‌های ساخته شده با پسوند «-زار»، که در پیکره زبانی موجود بوده‌اند اما در فرهنگ سخن ثبت نشده‌اند، بیشتر از موارد مشابه مربوط به پسوند «-ی» است و این در حالی است که «-ی» زایاترین وند زبان فارسی است.
۲. با مقایسه درصدهای به دست آمده از دو فرهنگ ۸ جلدی و ۲ جلدی سخن، مشخص می‌گردد که کاهش مدخل‌های فرهنگ پایه و تبدیل آن به فرهنگ ۲ جلدی به درستی صورت نگرفته است.

همان‌طور که در جدول می‌بینیم، در ۱۴ مورد از فرایندهای مورد بررسی، درصد کلمات ثبت نشده در هر دو فرهنگ یکسان بوده است، در حالی که این درصد باید در فرهنگ سخن ۲ جلدی بیشتر باشد.

۳. همان‌طور که در بخش ۲ گفته شد، بیشترین تعداد نوواژه‌ها در میان کلمات تک‌بسامدی یافت می‌شوند. با مقایسه انجام شده بین فهرست لغات موجود در پیکره زبانی و فرهنگ سخن و طبق نتایج ثبت شده در جدول بالا، مدخل‌گزینی فرهنگ سخن، به لحاظ این معیار، به درستی انجام پذیرفته است؛ به این ترتیب که درصد بالایی از کلمات ثبت نشده در این فرهنگ مربوط به کلمات تک‌بسامدی است.

۴. آن‌گونه که در جدول مشخص شده است، در مورد گروهی از فرایندهای ساختواژی، تمامی برون‌دادهای موجود در پیکره در فرهنگ ثبت شده بودند. این گروه از داده‌ها باید عموماً مربوط به فرایندهایی باشند که امروزه، به دلیل محدودیت‌های موجود در برابر عملکردشان، زیایی کمتری دارند؛ چرا که، با کاهش زیایی یک فرایند، نوواژه‌ها و در نتیجه کلمات تک‌بسامدی ثبت نشده در فرهنگ کاهش می‌یابند. براساس شاخص زیایی  $P_{N,R}$ ، زیایی «در» و «ش» بالاتر از «زار»، «ناک»، «مند» و «بلا» است. بنابراین درصد آن دسته از کلمات ساخته شده با این دو پسوند که در فرهنگ بزرگ سخن ۸ جلدی ثبت نشده‌اند باید بیشتر از درصد کلمات ثبت نشده با پسوندهای «زار»، «ناک»، «مند» و «بلا» باشد اما، همان‌طور که در جدول می‌بینیم، همه کلمات موجود با پسوندهای «در» و «ش» در پیکره مورد مطالعه در فرهنگ سخن ۸ جلدی ثبت شده بودند؛ در حالی که درصدی از کلمات موجود با وندهای «زار»، «ناک»، «مند» و «بلا» در پیکره در فرهنگ سخن ثبت نشده بودند.

نکته دیگری که در مدخل‌گزینی فرهنگ‌های فارسی باید به آن توجه داشت آن است که، همان‌طور که باین و رینوف (1996, p. 25-26) نیز بیان کرده‌اند، هرچه فرایندی زیاتر باشد، امکان تشخیص کلمات موجود از ممکن و نوواژه از غیرنوواژه دشوارتر خواهد گردید. به همین دلیل، فرهنگ‌نویسان عمدتاً به فهرست کردن کلماتی با وندهای کمتر زیای تمایل دارند چرا که موجود بودن یا نبودن این کلمات قطعی‌تر و تصمیم‌گیری درباره

ثبت‌کردن یا نکردن آنها آسان‌تر است. از آنجا که نمود کاهش زایایی افزایش برون‌دادهای با بسامد بالا است، درصد کلمات ثبت‌شده با بسامد بالا باید در فرهنگ بیشتر باشد (Piaq 2002, p. 66-69). برای بررسی این نکته که آیا معیار مذکور در مدخل‌گزینی فرهنگ سخن ۲ جلدی و ۸ جلدی رعایت شده است یا نه، مقایسه‌ای بین پیکره زبانی مورد مطالعه این پژوهش و فرهنگ سخن انجام پذیرفت. برای انجام‌دادن این مقایسه، ابتدا کلمات تک‌بسامدی و غیرتک‌بسامدی موجود در پیکره زبانی مورد مطالعه فهرست گردید. آنگاه این کلمات با سرواژه‌های موجود در فرهنگ سخن ۲ جلدی و ۸ جلدی مقایسه شد و تعداد کلمات تک‌بسامدی و غیرتک‌بسامدی، که در پیکره مورد مطالعه موجود بود اما در فرهنگ سخن فهرست نشده بود، تعیین گردید. نتایج حاصل از این بررسی در دو جدول زیر آمده است.

مقایسه درصد تک‌بسامدی‌های ثبت‌شده و درصد کلمات ثبت‌شده  
 با بسامد بالاتر در فرهنگ سخن ۸ جلدی

وند	درصد تک‌بسامدی‌های ثبت‌شده در فرهنگ سخن ۸ جلدی	درصد کلمات ثبت‌شده با بسامد بالاتر در فرهنگ سخن ۸ جلدی
-نده	٪۳۸/۳۷	٪۶۱/۶۲
-انه	٪۳۹/۵۸	٪۶۰/۴۱
-نا	٪۲۸/۸۷	٪۷۱/۱۲
-گاه	٪۴۱/۷۹	٪۵۸/۲۰
-گر	٪۳۷/۹۳	٪۶۲/۰۶
-دان / -دانی	٪۶۲/۹۶	٪۳۷/۰۳
-ابر	۰	٪۱۰۰
-مند	٪۱۶/۱۲	٪۸۳/۸۷
-زار	٪۴۱/۶۶	٪۵۸/۳۳

مقایسه درصد تک‌بسامدی‌های ثبت‌شده و درصد کلمات ثبت‌شده

با بسامد بالاتر در فرهنگ سخن ۲ جلدی

درصد کلمات ثبت‌شده با بسامد بالاتر در فرهنگ سخن ۲ جلدی	درصد تک‌بسامدی‌های ثبت‌شده در فرهنگ سخن ۲ جلدی	وند
٪۶۶/۱۲	٪۳۳/۸۷	-نده
٪۸۵/۷۱	٪۱۴/۲۸	-انه
٪۷۷/۳۵	٪۲۲/۶۴	-نا
٪۵۸/۳۳	٪۴۱/۶۶	-گاه
٪۶۰/۸۶	٪۳۹/۱۳	-گر
٪۴۳/۴۷	٪۵۶/۵۲	-دان / -دانی
٪۱۰۰	۰	-ابر
٪۸۳/۸۷	٪۱۶/۱۲	-مند
٪۵۸/۳۳	٪۴۱/۶۶	-زار

همان‌طور که در این دو جدول می‌بینیم، درصد کلمات تک‌بسامدی موجود در پیکره زبانی، که در فرهنگ سخن ۲ جلدی و ۸ جلدی ثبت شده است، کمتر از درصد کلمات غیرتک‌بسامدی موجود در پیکره زبانی است که در این دو فرهنگ سخن ثبت شده است. به عبارت دیگر، نتایج حاصل نشان می‌دهد که غالب سرواژه‌های فرهنگ سخن از میان کلمات غیرتک‌بسامدی موجود در پیکره زبانی نمونه انتخاب شده‌اند. بنابراین، اصل مطرح شده توسط پلاگ (2002) در غالب موارد در مدخل‌گزینی فرهنگ سخن رعایت شده است و درصد کلمات ثبت شده با بسامد بالا در فرهنگ سخن ۲ جلدی و ۸ جلدی بیشتر از درصد نواژه‌های ثبت شده در این دو فرهنگ است.

عامل بسامد در گزینش مدخل‌های فرهنگ یک‌زبانانه دارای اهمیت بسیاری است؛ به این ترتیب که، با افزایش بسامد صورت‌های زبانی، ثبت آنها در فرهنگ ضروری می‌گردد. شایان ذکر است که گاه، علی‌رغم کم‌بودن بسامد یک صورت، ثبت آن در

فرهنگ ضروری است و این در صورتی است که آن صورت زبانی اهمیت مصداقی و مفهومی بالایی برای گویشوران زبان داشته باشد.

## ۵ نتیجه‌گیری

اطلاعات موجود در هر فرهنگ را می‌توان تصویری از واژگان ذهنی گویشوران آن زبان دانست. از طرفی نیز، واژگان ذهنی تظاهر اطلاعات آوایی، صرفی، نحوی، معنایی و کاربردی هر زبان است. بنابراین، در فرهنگ‌نویسی علمی و مبتنی بر اصول زبان‌شناختی، توجه به سازوکار کلیه بخش‌های نظام زبان ضروری است. این مقاله به ذکر مختصری درباره تأثیر زایایی ساختواژی (به عنوان یکی از مشخصه‌های نظام زبان) در بخش کوچکی از مراحل فرهنگ‌نویسی، یعنی مدخل‌گزینی فرهنگ‌های عمومی، اختصاص داشت. بدیهی که بررسی سایر مشخصات نظام هر زبان در هر یک از مراحل فرهنگ‌نویسی از ضروریات است.

## منابع

- فرهنگ بزرگ سخن، به سرپرستی حسن انوری، ج ۸، سخن، تهران ۱۳۸۱.  
فرهنگ فشرده سخن، به سرپرستی حسن انوری، ج ۲، سخن، تهران ۱۳۸۲.
- ANDERSON, S. (1992), *A-Morphous Morphology*, Cambridge University Press, Cambridge.
- ARONOFF, M. (1976), *Word Formation in Generative Grammar*, MA: MIT Press, Cambridge.
- ARONOFF, M. & F. ANSHEN (1998), "Morphology and the Lexicon: Lexicalization and Productivity", A. SPENCER & A. ZWICKY (eds.), *The Handbook of Morphology*, Blackwell, Oxford, pp. 237-247.
- BAAYEN, R. H. (1993), "On Frequency, Transparency and Productivity", G. E. BOOIJ and J. V. MARLE (eds.), *Yearbook of Morphology*, 1992. Kluwer Academic Publishers, Dordrecht, pp. 181-208.

- \_\_\_\_\_ (1994), "Productivity In Language Production", *Language and Cognitive Processes* (9), pp. 447-469.
- BAAYEN, R. H. & A. RENOUF (1996), "Chronicling the Times: Productive Lexical Innovations in an English Newspaper", <http://www.mpi.nl/world/persons/profession/baayen.html>.
- BAAYEN, R. H. & A. NEIJT (1997), "Productivity in Context: A Case Study of a Dutch Suffix". <http://www.mpi.nl/world/persons/profession/baayen.html>.
- BARONI, Marco & Stefano VEGNADUZZO (2003), "Assessing Morphological Productivity via Automated Measures of Semantic Transparency". <http://www.sslmit.unibo.it/~baroni/>
- BAUER, L. (1983), *English Word-Formation*, Cambridge University Press, Cambridge.
- \_\_\_\_\_ (1992), "Lexicalization and Level Ordering", *Linguistics* (30), pp. 561-568.
- \_\_\_\_\_ (2001), *Morphological Productivity*, Cambridge University Press, Cambridge.
- CARSTAIRS-McCARHY, A. (1992), *Current Morphology*, Routledge, London.
- COWIE, C. & C. DALTON-PUFFER (2002), "Diachronic Word-Formation and Studying Changes in Productivity over Time: Theoretical and Methodological Considerations", *A Changing World of Words: Studies in English Historical Lexicography, Lexicology and Semantics*, pp. 410-437.
- Di Sciullo, A. M. & E. Williams (1987), *On the Definition of Word*, MA: MIT Press, Cambridge.
- HAY, J. (2001), "Lexical Frequency in Morphology: Is Everything Relative?", *Linguistics* 39(6), pp. 1041-1070.
- PLAG, I. & C. DALTON-PUFFER & H. R. BAAYEN (1999), "Morphological Pruductivity across Speech and Writing", <http://www.uni-siegen.de/~engspra/>.
- PLAG, I. (2000), "On the mechanisms of Morphological Rivalry: A New Look at Competing Verb-Deriving Affixes in English", <http://www.uni-siegen.de/~engspra/>.

\_\_\_\_\_ (2002), *Word-formation in English* (draft version), <http://www.uni-siegen.de/~engspra/>.

\_\_\_\_\_ (2003), "Productivity", *Handbook of English Linguistics*, <http://www.uni-siegen.de/~engspra/>.

